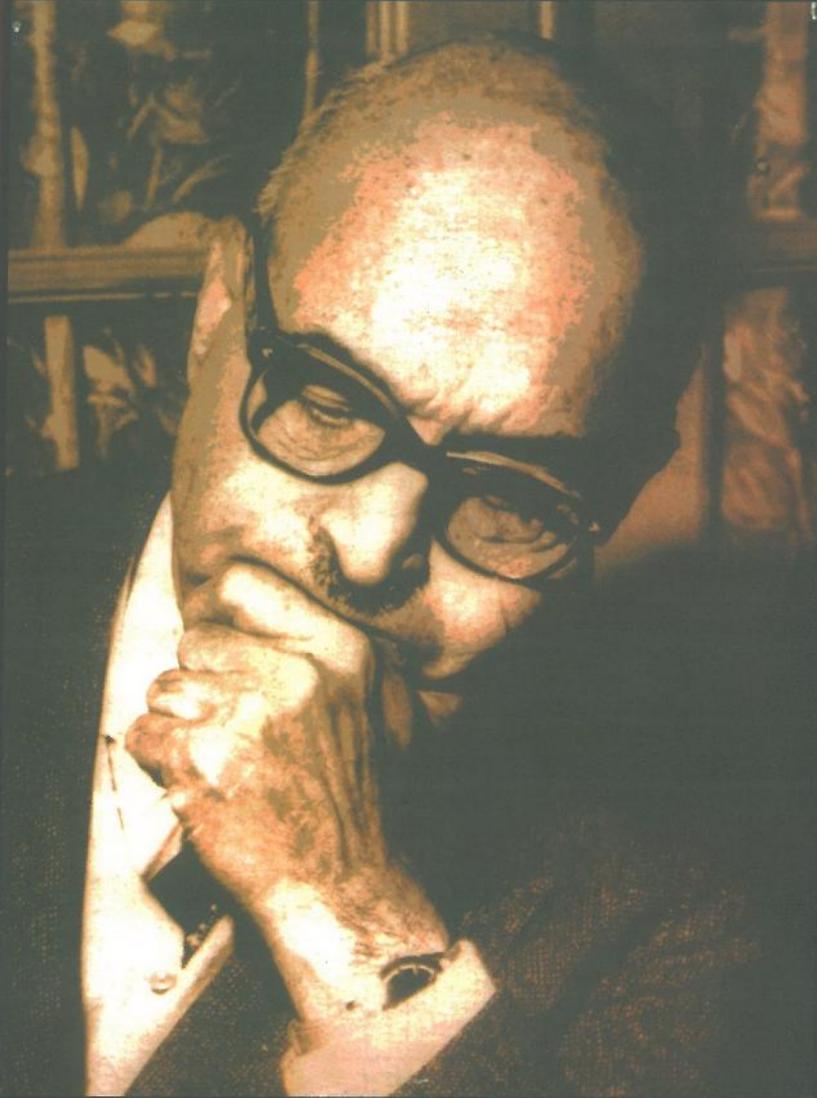


ردیف دورہ عالی

استاد کلینکلین عینتمتی خان وزیر



بتھوون
مرکز موسیقی بتھوون شیہرا

حسین مہرانی

ردیف دوره ی عالی
استاد کلنل علینقی خان وزیری
نوشته ی

حسین مهرانی

نت نگار : حسین مهرانی

ناشر : حسین مهرانی

طرح روی جلد : مهدی ماکان

حروف نگار : دریا دلیر

چاپ اول : ۱۳۸۱

تعداد : ۵۰۰۰

لیتوگرافی : جوهری

چاپ و صحافی : شرکت طلا چاپ

حق چاپ محفوظ است.

شابک : ۹۶۴-۰۶-۰۵۵۸-۱ ISBN 964-06-058-1

قیمت:

از مجموعه ی آثار استاد کلنل علینقی خان وزیر ی صفحه های تک نوازی موجود می باشد که به گفته ی شاد روان روح الله خالقی، این آثار فقط برای تار ساخته شده و غیر از یک روی صفحه ی چهارگاه، بقیه بداهه نوازی نمی باشد.

این مجموعه از روی این صفحه ها به نت درآمد و از آنجا که خود استاد، تکنوازی در آواز اصفهان را «ردیف عالی اصفهان» نامگذاری کرده است، این مجموعه را «ردیف دوره ی عالی وزیر ی» نامگذاری کرده ام. این مجموعه شامل: آواز بیات اصفهان، که در تنالیه ی «سل» اجرا شده، آواز دشتی که در تنالیه ی «لا» اجرا شده و با ژیمناستیک موزیکال شروع می شود، دستگاه ماهور که در تنالیه ی «سل» اجرا شده و با قطعه ی حاضر باش شروع می شود، دستگاه چهارگاه که در تنالیه ی «ر» اجرا شده و با قطعه ی دخترک ژولیده شروع شده است. نکته ی قابل توجه اینکه استاد هر چهار برنامه را با یک کوک اجرا کرده اند.

در این مجموعه، چهارگاه «ر» را به «دو» انتقال داده ام تا قابلیت بهتری برای اجرا داشته باشد^۱. البته در این انتقال به غیر از یک قسمت، در بقیه ی موارد هیچ تغییری به وجود نیامده است.

برای آشنایی بیشتر هنرجویان با شیوه ی نوازندگی تار، بیوگرافی و آثار استاد کلنل علینقی خان وزیر ی، مطالبی از کتاب سرگذشت موسیقی تألیف شادروان روح الله خالقی را به اختصار برگزیده و در این مجموعه آورده ام.

باتشکر از استاد عزیزم، استاد هوشنگ ظریف به جهت راهنماییهایشان.

حسین مهرانسی

تابستان ۱۳۸۰

۱- با توجه به امکانات تار، دخترک ژولیده در چهارگاه «ر» در پایین دسته قابل اجرا نمی باشد. وزیر ی در پایین دسته ی تار وسعت ساز را افزایش داد و با امتداد دسته بر روی نقاره ی ساز، شش پرده ی دیگر هم به تار افزود، و اکثر تارهایی که در حال حاضر موجود می باشد فاقد این ویژگی است.

استاد وزیری بیوگرافی

محیط خانوادگی

علینقی فرزند موسی در سال ۱۲۶۶ در تهران بدنیا آمد. پدرش افسر بود و در قدیم چنین رسم بود که هر کس شغل پدر را پیش می گرفت بنابراین پیش بینی می شد که علینقی و برادران دیگر هم که جمعاً پنج پسر بودند وارد خدمت نظام خواهند شد. اما تصادفاً دو تن از آنها هنرمند شدند و سه برادر دیگر خدمت قشون را پیشه ساختند. این دو هنرمند یکی علینقی است که مورد بحث می باشد و دیگری *حسنعلی* که در صنعت نقاشی به مقام استادی رسید. محیط خانوادگی برای آشنائی علینقی خان به موسیقی مساعد بود زیرا دانی مادرش که پیر مرد دانشمندی بود و مجلس درس داشت و فلسفه و علوم متعارف آن زمان را تدریس می کرد، وقتی ریاضی درس می گفت و از حساب و هندسه و نجوم بحث می کرد، علم موسیقی را هم از روی کتاب *درة التاج* قطب الدین شیرازی به طلبه ها تدریس می نمود، هر چند عملاً وارد این فن نبود. دانی خودش، دکتر *حسنعلی* خان که عضو دربار و پیشخدمت مخصوص *مظفرالدین میرزا* (ولیعهد) بود ذوقی داشت ولی محیط درباری تبریز که یک دسته مردم بی سواد دور ولیعهد گردآمده بودند به مزاجش نساخت و خدمتش را ترک کرده به تهران آمد. وی هم تار می نواخت. مادرش زن آزادمنش متجددی بود و از اولین زنانی است که مدرسه دخترانه دائر کرد. به موسیقی هم وارد بود: ضرب می گرفت و آواز می خواند، برادر کوچکش *حسنعلی* نواختن سنتور را نزد *حسن خان ستوری* آغاز کرد ولی آنرا ادامه نداد. عاشق نقاشی شده و به استاد زمانه *کمال الملک* سرسپرد و دنبال این هنر را گرفت و هنگامی که به اوج شهرت رسید از کار دلسرد شد. قلم مو را کنار گذارد و بیل را برداشت و به زراعت مشغول شد و دور از مردم با مطالعه ی دیوان حافظ و مثنوی مولوی از عالم مادی فارغ گردید و با تخیلات عارفانه ی خود حالی معنوی و روحانی داشت.

شوق موسیقی

علینقی پانزده ساله بود که اولین مشقهای موسیقی را از دانی خود روی تار گرفت. دیری نگذشت که به ساز علاقمند شد و از معلم خود جلو افتاد. یکی دو سال که گذشت چنان به موسیقی دل بستگی پیدا کرد که تمام اوقات فراغت را به نواختن مشغول بود. برادر کوچکترش *حسنعلی* خان می گفت: برادرم هر کجا سازی می دید نمونه ای بدست می آورد چنانکه به تدریج اطاقش موزه ای از سازها شد: تار - سه تار - کمانچه - سنتور - ویولن - فلوت -

قرنی - ضرب - دائره و شپور هم در اطاقش دیده می شد و همه ی این ساز ها را کم و بیش می نواخت اما به ویولن و مخصوصاً تار آشنائی بیشتری داشت.

دکتر حسینقلی قزل ایاغ می گوید: وقتی دیدم علینقی خان با همه ی این سازها آشنائی دارد چون به ذوق او پی بردم دانستم که هرگز کسی نخواهد توانست این همه ساز را خوب بزند او را تشویق کردم که فقط تار بزند. علینقی خان هم نصیحت مرا پذیرفت ولی ضمن اینکه خیلی روی تار کار می کرد از ویولن هم دست برنداشت و عاقبت این دوساز را برای خود انتخاب کرد. در این موقع که وی به سن نوزده رسیده بود در نواختن تار کاملاً تسلط داشت و مأموریتی برایش پیش آمد و به شیراز رفت و عکس خود را هم با لباس نظام از موطن سعدی و حافظ برایم فرستاد.

آغاز تحصیلات موسیقی

علینقی خان از شیراز برگشت و چون کارش در قزاقخانه و با صاحب منصبان موزیک آشنا بود، فهمید که باید خط موسیقی را فراگیرد. این بود که اولین درس نوت خوانی را از یاور آقاخان صاحب منصب موزیک آموخت و بعد از کمی متوجه شد که دیگر معلمش چیزی ندارد که به وی بیاموزد. در این موقع با میر محمد حجازی (مطیع الدوله) دوستی داشت. حجازی شاگرد مدرسه ی سن لوئی بود و ویولن هم می زد. این دو دوست هنرپسند با کشیشی بنام «پرزوفروا» که معلم آن مدرسه بود آشنائی یافتند. کشیش نامبرده پیانو می زد و کاملاً به موسیقی اروپائی وارد بود. وقتی ذوق این دو جوان را دریافت با آنها گرم گرفت و در خانه ی خود جلسه ی موسیقی تشکیل داد. کشیش پیانو می زد، حجازی ویولن و علینقی خان هم ماندولین و این سه تن با هم ارکستری تشکیل دادند و بعضی آهنگها را به راهنمایی پرزوفروا می نواختند. علینقی خان همین که فهمید، کشیش به علم موسیقی وارد است از او خواهش کرد که به وی درس دهد کشیش کتابی داشت بسیار بزرگ و قطور به نام «Compondium» که آن را به علینقی خان داد تا مطالعه کند. این کتاب در حقیقت یک نوع دائرة المعارف موسیقی است که از تمام رشته های موسیقی بحثی دارد. علینقی خان از مطالعه ی کتاب دریافت که علم موسیقی فقط نوت خوانی نیست و بسیار مباحث دیگر هست که باید نزد استاد فراگرفت. اشتیاق خود را به کشیش گفت و او حاضر شد که علینقی خان را درس بدهد. قسمت موسیقی نظری (تئوری) و مقدمات هم آهنگی (هارمونی) را علینقی خان نزد آن کشیش تحصیل کرد ولی متأسفانه بعد از چندی کشیش از ایران رفت و علینقی خان که تا اندازه ای وارد مطلب شده بود خودش مباحث دیگر کتاب را مطالعه می کرد و استفاده می نمود.

در این موقع شنید که میان افسران موزیک، از همه عالم تر سلیمان خان ارمنی است که تمام صاحب منصبان موزیک نظام او را برتر از خود می دانستند و حتی سالار معزز رئیس موزیک نظام هم احترام فوق العاده ای برای او قائل بود. علینقی خان نزد وی رفت و اشتیاق به تحصیل هم آهنگی را بیان داشت. سلیمان خان گفت این کار مقدمات می خواهد و باید طالب این علم کاملاً به پیانو آشنائی داشته باشد. علینقی خان را امتحان کرد و معلومات او را برای شروع این فن کافی دانست ولی به وی گفت بهتر است به پیانو هم آشنا شود و روی هم رفته رغبتی به یاد دادن چیزی که می دانست نشان نداد و همان سیره ی نامطلوب را که از دیر زمان شیوه ی همه ی هنرمندان بود به کار بست یعنی به اصطلاح معروف سرشاگرد را به بیخ طاق کوبید.

علینقی خان فهمید که از او چیزی درک نخواهد کرد، به فکر رفتن اروپا افتاد و این خیال در مغزش قوت گرفت ولی وسیله ای برای انجام این نیت نیافت تا اینکه سالها بعد این فکر به مرحله ی عمل نزدیک شد.

مجلس آقا حسینقلی

علینقی خان به تدریج در نواختن تار مهارت یافت و هر جا از کسی سازی می شنید، چیزی اقتباس می کرد و به معلومات خود می افزود. در این هنگام بود که انجمن اخوت تازه تأسیس شده بود. وی نیز در سلک اخوان صفائی

درآمد و در آنجا بود که بامردم اهل هنر آشنائی بیشتری پیدا کرد. مخصوصاً برای اولین بار درویش خان را در انجمن دید و از ساز و صحبتش لذت بسیار برد.

حسنعلی خان برادرش می گفت: اگر شبی دور هم بودیم و هر نوازنده ای یک بار ساز می زد، علینقی خان تار را زمین نمی گذارد. هیچ لازم نبود از او خواهش کنند که ساز بزند. او تار را بر می داشت و بی مضایقه می نواخت، نه اینکه برای کسی بنوازد، او مثل این بود که برای خودش می نواخت. کم کم در میان نوازندگان دیگر، شخصیت ممتازی شد زیرا علاوه بر آوازه‌ها، آهنگهای ضربی و حتی بعضی از قطعات موسیقی اروپائی را هم با تار می نواخت و سازش بسیار پرمایه و با قدرت و متنوع شد. شبی در منزل ما مهمان بود. یکی از حضار به وسیله ی تلفن با شخصی صحبت می کرد. در همین موقع علینقی خان در نزدیکی تلفن تار می زد. صدای ساز به گوش آن طرف رسید و گوشی تلفن را به دست آقا حسینقلی که در آن مجلس بود، داد که ساز نوازنده را بشنود و اظهار نظر کند. جناب میرزا مدتی گوش داد و بعد پرسید این نوازنده کیست؟ به او گفته بودند علینقی خان صاحب منصب است. میرزا باکمال تعجب گفته بود: صاحب منصب و این همه ذوق! بعد آقا حسینقلی می گوید من باید این جوان را ببینم.

چند شب بعد در منزل محمد رضا سالار معظم که هم دوست علینقی خان و هم شاگرد آقا حسینقلی بود مجلسی فراهم شد. بنا به خواهش علینقی خان آقا حسینقلی تار زد و علینقی خان تمام حواسش متوجه دست و پنجه ی استاد بود. جناب میرزا دستگاه چهارگاه را که شروع کرده بود نیمه تمام گذارد و تار را به دست علینقی خان داد که بنوازد. علینقی خان با کمال ادب تار را گرفت و دنباله ی دستگاه را نواخت. آقا حسینقلی کاملاً توجه داشت و وقتی ساز او تمام شد وی راتحسین کرد. حضار موقع را مغتنم دانستند و به جناب میرزا گفتند: علینقی خان خط موسیقی را خوب می داند و بسیار مشتاق است که ردیفهای شما را بنویسد. مخصوصاً سالار معظم شاگرد استاد در این موضوع خیلی اصرار کرد. آقا حسینقلی گفت: چه بهتر از این ولی اگر ردیف داداش را که مضراب هایش واضح تر و شمرده است بنویسد بهتر خواهد بود. مقصودش این بود که از برادر بزرگش میرزا عبدالله استفاده شود.

در آن جلسه جناب میرزا چند بار دیگر ساز زد ولی هر چه به علینقی خان تکلیف نوازندگی کرد وی به پاس احترام استاد، دیگر دست به تار نزد و سراپا گوش شد.

داستان نوشتن ردیف

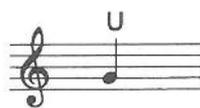
علینقی خان در این موقع با ابراهیم آژنگ که رئیس یکی از دسته های موزیک بود و ویولن هم خوب می زد و کلاسی در منزلش دائر کرده بود آشنائی داشت. مطلب را با او در میان گذارد. ابراهیم خان هم خیلی علاقه داشت که ردیف یکی از استادان معاصر خود را بنویسد و به شاگردانش درس بدهد. با هم قرار گذاردند که نزد میرزا عبدالله بروند.

وزیری گفت: به اتفاق ابراهیم خان به منزل میرزا عبدالله رفتیم و خدمت استاد رسیده، نشستیم. من منظور خود را بیان کردم و یکی از دوستان استاد که پیرمردی بود، بسیار تعجب کرد که مگر چنین چیزی ممکن است! میرزا عبدالله باکمال رأفت و مهربانی که اخلاق جبلی او بود، بسیار خشنود شد ولی تردید داشت که شاید این کار عملی نباشد. من گفتم امتحان بفرومائید. استاد گفت بسیار خوب، تار را برداشت و شور بالادسته را آغاز کرد. جمله به جمله می نواخت و من می نوشتم تا در حدود یک صفحه نوشته شد. من از میرزا خواهش کردم که اگر اجازه بفرومائید این کار را مرتباً هفته ای دو روز ادامه دهیم. گفت بسیار خوب است، اما حالا معلوم نیست این که شما نوشته اید همان باشد که من زده ام. من تار را برداشتم و نوشته های خود را عیناً نواختم و چون به تار خوب آشنا بودم و مضرابها را هم یادداشت کرده بودم، حتی چپ و راست ها را هم همانطور که استاد زده بود، نواختم. وقتی صفحه به پایان رسید میرزا عبدالله و بیان الممالک که در جلسه حضور داشت پسندیدند و بسیار تحسین کردند و قرار شد دنباله ی این کار گرفته شود. ضمناً میرزا عبدالله از من پرسید که منظور شما از نوشتن ردیف چیست؟ گفتم مقصود این است که آثار شما باقی بماند و اگر موجباتش فراهم شد به نام خود شما به چاپ برسد و همه استفاده کنند. میرزا عبدالله چون مرد نیک فطرت

استکاتو-----	V-----	مضرب چپ
U----- ²	↑-----	تک ریز
T-----	∇-----	چپ ریز
U T-----	⋈-----	درآب
<i>tr</i> ^b -----	┌----- ¹	اجرا بدون مضرب ¹
<i>tr</i> ^p -----	⌋-----	خراش
<i>tr</i> ^{pp} -----	⌋-----	گلیساندو
Vib.-----	8-----	کندن سیم با دست چپ
VIB.----- ³	o-----	تکیه
∩-----	o ^{pp} -----	تکیه به بمل کرنِ نت بعد
<i>tr</i> ^v -----	+-----	گرفتن دستان به وسیله ی شست دست چپ



شیوه ی اجرا



شیوه ی نگارش



شیوه ی اجرا



شیوه ی نگارش

● اجرای خط اتصال همیشه با تک ریز اجرا می شود، مگر آنکه نشانه ی دیگری شیوه ی اجرا را معین کند.

- 1- برگرفته از کتاب *ردیف موسیقی ایران* به روایت محمود کریمی، نگارش دکتر محمد تقی مسعودیه و *جواب آواز* بر اساس ردیف آوازی به روایت استاد محمود کریمی برای تار و سه تار، نگارش ارشد تهماسبی.
- 2- برگرفته از کتاب *ردیف میرزا عبدالله*، نت نویسی آموزشی و تحلیلی، داریوش طلائی.
- 3- در این ویراسیون، نت ویریه شده به وسیله ی دست چپ نیم پرده زیر شده و دوباره به نت اصلی باز می گردد. و چون حرکت دست در عرض دسته ی تار یک بار انجام می شود، به آن ویراسیون درشت می گوئیم. در ویراسیون ریز این عمل به طور مداوم انجام شده و کاملاً متناسب با ریتم قطعه است.

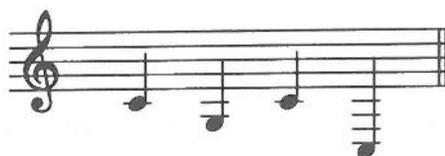
فهرست

۲۱ آواز بیات اصفهان
۳۳ آواز دشتی
۴۷ دستگاه ماهور
۵۹ دستگاه چهار گاه

کوک های تار



آواز بیات اصفهان، آواز دشتی، دستگاه ماهور



دستگاه چهار گاه

آواز بیات اصفهان

The musical score is written on seven staves. It begins with a treble clef, a key signature of one sharp (F#), and a 2/4 time signature. The first staff contains a melodic line with several vibrato markings (V) and an asterisk (*). The second staff includes a 'rit.' (ritardando) marking and a 'VIB.' marking. The third staff features a trill (T) and two first-fingered notes (1). The fourth staff has a vibrato marking (Vib.). The fifth staff contains several triplet markings (3) and a trill (tr). The sixth staff has a vibrato marking (Vib.) and an accent (^). The seventh staff concludes with a second-fingered note (2).

* در اجرا، این دسته ی چهار تایی به شکل دوربو اجرا شده است.



The musical score is written for guitar in G major (one sharp). It consists of seven staves of music. The first staff begins with a treble clef, a key signature of one sharp (F#), and a 2/4 time signature. The music features a series of sixteenth-note runs with vibrato (V) markings above them. The first staff includes dynamics *mf* and *pp*, and a vibrato (Vib.) marking. The second staff continues the melodic line with vibrato (V) and trill (T) markings. The third staff includes a vibrato (VIB.) marking. The fourth staff starts with a piano (*p*) dynamic. The fifth staff features a sixteenth-note run with a '6v' marking. The sixth staff includes a trill (tr) marking. The seventh staff concludes with three vibrato (Vib.) markings and a triplet (3) marking.

$\text{♩} = 130$